



سرود پایداری

«ویژه نامه روز مقاومت، روز دزفول»
روزنامه جوان | پنجشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۶

۴ خرداد روز دزفول روز مقاومت

■ ملت ایران و دزفول عزیز و مقاوم در برابر آنها ایستاده است. و امروز هم که مصیبت وارد کرده اند، باز فریاد جنگ جنگ تا پیروزی از جوانان دزفول بلند است.
امام خمینی (ره)

سرود
پایداری

دزفول، شهر هزار زخم ایستاده و همیشه پایدار



نشانه‌ای از حیات ایمانی

بعد از آنی که در شهر دزفول مردم بی‌پناه و بی‌دفاع مورد تجاوز سلاح‌های دور زن مزدوران عراقی قرار گرفتند که همان شب اتفاقاً در دزفول بودیم، من صبح وارد شهر شدم و در شهر حرکت می‌کردم، شب را در پایگاه نیروی هوایی گذراندم که خارج از شهر است، روز گفتم با این حادثه فاجعه آمیزی که در این شهر رخ داده است و شاید بیش از صد نفر زن و مرد و کودک بی‌گناه و بی‌دفاع، نیمه شب کشته شدند، بروم ببینم روحیه مردم چگونه است؟

در این شهر نشانه‌ای از حیات ایمانی و عزم و تصمیم به چشم می‌خورد، در مقابل عظمت و شجاعت این مردم، چه زنشان، چه مردشان، چه جوانشان و چه پیرشان، انسان مبهوت می‌ماند. رژیم مزدور عراق برای اینکه دزفول را تخلیه بکند از مردم، و نیروهای انقلابی را از آنجا خارج کند، دست به این توطئه رذالت آمیز و پست زده است، مردم شهر را هدف موشک‌های دور زن قرار می‌دهد... اما مردم مثل اینکه هیچ اتفاقی در شب گذشته در شهرشان نیفتاده است.



البته، جوانان پر شور، شعار می‌دادند، می‌گفتند: به ما سلاح بدهید تا برویم انتقام بگیریم. من برای مردم صحبت کردم، عصر همان روز که شبش آن حادثه اتفاق افتاده بود، هزاران نفر جمعیت با شور، با هیجان، در مسجد جامع شهر دزفول، جمع شدند، من سپاس و شکرانه خودم را از این همه شجاعت، به عنوان یک انسانی که علاقه‌مند به شجاعت است، علاقه‌مند به ایمان است، علاقه‌مند به مردم فداکار است، به آن مردم فداکار عرض کردم، الان هم از این تربیون عظیم نماز جمعه، از این تربیون میلیونی و از میان شما برادران و خواهران نمازگزار، به تمام مردم شهر دزفول از زن و مرد و پیر و جوان، درود می‌فرستم، مردمان شجاع، مؤمن، متوکل به خدا.

امام خامنه‌ای (نماز جمعه ۵۹/۸/۹)



امام شهر لباس بسیجی می‌پوشید و به جبهه می‌رفت

مرحوم آیت‌الله قاضی دزفولی حتی یک روز شهر را ترک نکرد

برای رزمندگان پخش شود، مخالفت کرد و گفت: چرا پیام، خودم حضوری به خدمتشان می‌روم، آنها فرشتگانی هستند که اینک لباس خاکی پوشیده‌اند؛ بعد با تنی خسته عسازنان نه تنها در بین رزمندگان دزفولی و خوزستانی که به تک تک اردوگاه‌های رزمندگان دیگر شهرها در اطراف دزفول می‌رفت و نماز را در بین آنها می‌خواند، به خانه که برمی‌گشت، روی قالی می‌خوابید و هرگز کسی ندید او یک روز حتی وقتی بیمار بود روی تشک بخوابد. او در مقابل اصرارهای اطرافیان می‌گفت: «من از روز اول جنگ تحمیلی با خودم عهد بسته‌ام تا زمانی که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها هستند مانند آنها روی بستر نخوابم و روی همین قالی استراحت کنم».

همه او را امام شهر می‌دانستند، پیشینه سلحشوری و بی‌باکی‌اش در مقابل رژیم ستمشاهی در سال‌هایی که چندان دور از او اسطوره‌ای بومی پدید آورده و تمام نگاه‌های تردیدآور به روحانیت این منطقه را به بهای از دست دادن سوی چشم‌هایش در ساواک، تغییر داده بود. اینک که در این دیار جنگی رخ داده و دشمن اراده کرده بود تا دزفول را به اشغال درآورد، این پیرمرد خسته و رنجور، مردم را دعوت می‌کرد تا در شهر باقی بمانند؛ هم برای مقابله با خواست دشمن و هم برای حمایت از نیروهای رزمنده‌ای که از سراسر کشور به دور شهر اردو زده بودند. وقتی جوانان شهر را به جبهه می‌فرستاد خودش با لباس بسیجی تا پادگان کرخه آنها را همراهی می‌کرد. هنگامی که قرار شد پیامی از رادیو از او

دزفول شهری ماندگار با امتحان الهی

عبدالامیر مطیع رسول

عملیاتی جنوب با هدف اشغال شهر دزفول که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است» در اولویت برنامه‌های حمله ارتش بعث عراق به ایران بوده است.

و همین افسر ارشد عراقی در اتاق عملیات جنگ پس از عملیات رمضان نیروهای ایرانی اذعان می‌دارد: «به یگان موشکی در جنوب عراق و یگان‌های موشکی زمین به زمین دستور دادیم با شدت تمام حمله کنند و منتظر دستور توقف نباشند».

در راستای این خط مشی و برنامه ریزی‌های جنایتکارانه است که در اولین روز جنگ، پایگاه هوایی وحدتی دزفول مورد حمله هوایی قرار می‌گیرد و متجاوزان بعثی تا نزدیکی‌های شهر پیش می‌آیند اما دیری نمی‌گذرد که با استقرار نیروهای ارتش، سپاه و بسیج مردمی در غرب دزفول مانع از نفوذ بیشتر صدامیان به این سرزمین می‌شوند و به نغم موشکباران دزفول در مهر ۵۹ و تلفات سنگین مردمی، در این شهر غوغایی به پا می‌شود. مردم دزفول با توکل و امیدواری به خدا و به همت امام جمعه مجاهد و روشن ضمیر شهر مرحوم آیت‌الله سیدمجدالدین قاضی (ره) و با آمادگی فرماندهان جوان و نیروهای مردمی و بسیجی نه تنها شهر را ترک نکردند بلکه با حضور مستمر در جبهه‌های رزم نیروهای صدام افلکی را در پشت کرخه ناکام و حسرت تسلیم دزفول را تا ابد در دلشان باقی گذاشتند.

در تاریخ پرافتخار انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و در جغرافیای حماسه دفاعی آن، مکان‌های مقدس و انسان‌های جهادگر و مؤمنی یافت می‌شود که امام خمینی (ره) بر مبنای همین ویژگی‌ها، ماندگارترین کلام را در وصف مردمش به کار بردند و فرمودند: «شما دزفولی‌ها و... خوب از امتحان بیرون آمدید».

و در تبیین این فرمایش رهبر فرزانه انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای فرمودند: «مردم دزفول حقاً و انصافاً یک قهرمانی ماندگاری را در تاریخ ثبت کردند».

دزفول با جمعیتی افزون بر ۵۰۰ هزار نفر در شمال استان خوزستان قرار دارد. این شهرستان «ویژه» علاوه بر جغرافیای زیبای طبیعی آن که از نعمات بیکران الهی برخوردار است از منظر اجتماعی و سیاسی نیز از ویژگی‌های مهم اعتقادی، انقلابی و فرهنگ غنی دینی و علمی بهره‌مند است.

دزفول با این پیشینه دینی و تاریخی است که در آغاز جنگ تحمیلی مورد هدف ارتش رژیم بعث عراق قرار می‌گیرد، به طوری که یکی از افسران اطلاعاتی رژیم بعث به صراحت در جلسات محرمانه خود پرده از رازی برمی‌دارد که به همت مردم این شهر حسرتش در دلشان باقی می‌ماند. او می‌گوید: «پیشروی اصلی در منطقه

دزفول پایتخت مقاومت ایران اسلامی بود

✪ سردار علی فضلی

بهترین گزینه برای معرفی روز مقاومت، دزفول است. حماسه مقاومت دزفول در تاریخ ماندگار شده است و مردم دزفول قطعه ارزشمندی از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را به واسطه فداکاری‌ها و مجاهدت‌های خویش و معامله با خدا به نام خود



ثبت کردند. این امر مرهون چند عامل است: ۱- نقش روحانیت و علما به ویژه مرحوم آیت الله قاضی، امام جمعه دزفول، ۲- نقش فرماندهان و فرزندان خودساخته دزفول از جمله سردار رشید، سردار ثوفی، سردار کیانی، سردار کوسه‌چی، سردار شهید سوداگر و همه شهدای دزفول. در دوران پیروزی انقلاب و دوران پس از آن در هر صحنه‌ای که مشکلی برای انقلاب اسلامی پیش آمده از جمله وقایع چهارشنبه سیاه و جمعه سیاه خرمشهر که از سوی گروه‌های جدایی طلب خلق عرب شکل گرفته بود، مردم دزفول از جمله جوانان، بسیجیان، پاسداران و ارتشیان پیشگام بودند که اوج آن در دوران دفاع مقدس دیده می‌شود. با هجوم ارتش عراق، رزمندگان دزفول صرفاً در منطقه دزفول فعال نبودند، بلکه در سایر جبهه‌ها نیز از جمله جسر نادر، عین خوش و فکه با مقاومت خود مانع از پیشروی سریع دشمن شدند و در اینجا نقش پیشکسوتان سپاه دزفول مشهود بود.

در راستای تحقق فرمان امام (ره) مبنی بر شکستن حصر آبادان و همزمان با پیشروی نیروهای عراقی به این شهر، رزمندگان دزفولی نقش مهمی در دفاع و شکستن محاصره آبادان ایفا کردند که در این راه تلاش‌های شهید امیر بزاززاده که اهل دزفول بودند، قابل تحسین است.

نقش مردم دزفول صرفاً محدود به جبهه‌ها نمی‌شد، بلکه دزفول و مردم شریف آن، میزبان رزمندگان اقصی نقاط کشور بودند. دزفول در آن دوران مانند قرارگاهی بود که مردمش با آغوش باز از رزمندگان سایر مناطق کشور پذیرایی می‌کردند.

بنابراین دزفول به دلیل مقاومت همه‌جانبه خویش، پایتخت مقاومت ایران اسلامی در جنگ تحمیلی بود و از این رو بیش از سایر شهرها در معرض بمباران و موشکباران ارتش عراق قرار می‌گرفت.

پس از جنگ نیز امروز در بزرگ‌ترین عملیات فرهنگی پس از جنگ، یعنی راهیان نور، مدیران دزفولی و مردم این شهر در پذیرایی از زائران نقش ارزنده‌ای دارند.



امیر حسین چیت‌فروش از فرماندهان ارشد نیروی هوایی در دفاع مقدس: هیچ شهری به اندازه دزفول موشک‌باران نشد

مقاومت مردمی و نیروهای مسلح از این نقطه شروع شد که مقاومت مردم دزفول و پشتیبانی همه‌جانبه آنها از نیروهای مسلح در آماده‌سازی پایگاه و کمک به خانواده‌های پرسنل موجب شد پایگاه تخلیه نشود. از طرف دیگر تمام پایگاه‌های نیروی هوایی به کمک پایگاه هوایی دزفول شتافتند. در واقع مشاهده مقاومت مردم دزفول، خلبانان نیروی هوایی را تحت تأثیر قرار داد و آنها با کمک مردم دزفول شروع به آماده‌سازی باند فرودگاه پایگاه نیروی هوایی در دزفول کردند.

شهید شیخ حسنی نخستین مردی بود که در بمباران باند پایگاه هوایی دزفول به شهادت رسید. با آماده‌سازی باند پایگاه هوایی دزفول با کمک شبانه‌روزی مردم دزفول، حمله ۱۴۰ فروندی نیروهای خودی شکل گرفت که در صورت تخلیه پایگاه هوایی دزفول و اشغال آن از سوی عراق، وضعیت جنگ به مراتب سخت‌تر می‌شد. پس مقاومت مردم دزفول توانست در سر نوشت دفاع مقدس به مراتب تأثیرگذار باشد.

در بیان مقاومت دزفولی می‌توان گفت که هیچ شهری به اندازه دزفول موشک‌باران نشد اما مردم آن هیچ موقع صحنه را خالی نکردند. موشک و بمباران را دیدند و دم برنیاورند و تحمل کردند. دزفول یک نقطه پذیرایی و پشتیبانی از رزمندگان به شمار می‌رفت که مردم صبور و مقاومش تا پایان جنگ تحمیلی و به رغم موشکباران‌ها و بمباران‌های فراوان و دادن صدها شهید و تحمل خسارت‌های زیاد همواره با آغوش باز دست از حمایت نیروهای مسلح برنداشتند و دشمن را از دستیابی به اهدافش که ناامن کردن عقبه رزمندگان بود، ناامید کردند.

پیوند مقاومت مردم دزفول و نیروهای مسلح در اوایل جنگ موجب شد پایگاه چهارم شکاری دزفول تخلیه نشود.

تاریخ ۵۰۰ سال گذشته ایران نشان می‌دهد در منطقه جغرافیایی غرب کشور ۲۴ جنگ خونین رخ داده است. مسلماً مردم این مناطق به لحاظ سابقه تاریخی که از وضعیت امنیتی منطقه دارند، همواره این آمادگی را در خود به وجود آورده‌اند که در مقابل ناامنی‌های



احتمالی بتوانند از خود و سرزمین‌شان دفاع کنند. اما جنگ تحمیلی ویژگی‌های خاصی داشت که آن را از اکثر جنگ‌های گذشته متمایز می‌کند و آن هم تسری ناامنی از طریق سلاح‌های برد بلند به عمق کشور بود که این مسئله از طرف دشمن به عنوان یک راهبرد از همان ابتدای جنگ با حمله به مناطق مسکونی کشورمان در دستور کار قرار گرفت.

در این میان شهر دزفول به خاطر موقعیت استراتژیکی که دارد جزو اولین اهداف ارتش بعث بود. وجود پایگاه هوایی دزفول که به لحاظ سوق الجیشی یک نقطه ویژه است، باعث شد قوی‌ترین بمباران‌های عراق در منطقه دزفول از همان روز نخست تهاجم سراسری به وقوع بپیوندد. با پیشروی نیروهای عراقی به عمق ۸۰ کیلومتری خاک ایران و اشغال سایت پنجم، دستور تخلیه و تخریب پایگاه هوایی دزفول توسط ستاد مشترک ارتش و نیروی هوایی از سوی سرلشکر فکوری بر خلاف میل باطنی‌شان صادر شد، منتها پیوند

دزفول در خط‌مقدم هم‌ردیف شلمچه و خرمشهر بود

✪ دکتر محسن رضایی



آخرین فشنگی که در هشت سال جنگ تحمیلی شلیک شد؛ وضعیت خطوط مقدم بر دزفول حکمفرما بود. بیش از ۱۷۰ موشک، چند هزار گلوله توپ و دفعات بی‌شمار بمباران روی دزفول توسط ارتش عراق ریخته شد.

این حجم آتش از بعضی از خطوط دفاعی که رزمندگان ما مستقیماً در آنجا با دشمن می‌جنگیدند، بیشتر بود.

پس باید قبول کنیم که دزفول، هم‌ردیف شلمچه، مهران و خرمشهر جزو خطوط مقدم جنگ بود، اما نکته مهم اینجاست که در این خط مقدم، مردم عادی هم حضور داشتند و زندگی مردم در زیر آتش دشمن جریان طبیعی خود را طی می‌کرد. به همین خاطر است که دزفول را پایتخت مقاومت می‌نامیم.

از ابتدای شروع جنگ تا آخرین فشنگی که در هشت سال جنگ تحمیلی شلیک شد، وضعیت خطوط مقدم بر دزفول حکمفرما بود.

مردم دزفول مردمی انقلابی، متدین و همراه امام و انقلاب بوده و هستند. دزفول در نقطه‌ای مهم در استان خوزستان قرار دارد؛ یعنی درست در مسیر جاده تهران به خوزستان. ضمن اینکه با مرز هم فاصله چندانی ندارد.

قواعد تاریخی از اهداف دشمن این بود که از کرخه عبور کند و به منطقه دزفول و اندیشمشک وارد شود و جاده شمال به جنوب را در این منطقه ببندد.

بنابراین موقعیت شهر دزفول در جغرافیای دفاعی ایران و در جنگ ایران و عراق یک موقعیت راهبردی بود. از ابتدای شروع جنگ تا

۲۶۰۰ شهید

از یک شهر کوچک

❖ دزفول در جنگ تحمیلی مورد اصابت ۱۷۶ موشک زمین به زمین فراگ و اسکاد B قرار گرفت. هواپیماهای دشمن بعثی ۴۸۹ بمب و راکت بر سر مردم بی دفاع شهر فرو ریخت. آتشبارهای عراق با شلیک ۵ هزار و ۸۲۱ گلوله توپ نقاط مختلف شهر را ویران ساختند و مردم را به خون و آتش کشیدند.

با این حملات شدید حدود ۱۹ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی، تجاری، آموزشی و مذهبی ویران و به تلی از خاک مبدل شد، اما مردمش به کمک و یاری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران شتافتند و همزمان با حملات دشمن کار بازسازی ویرانی‌ها را به دستور شهید رجایی آغاز و شهر را به دسته گلی تبدیل کردند. دزفول در هشت سال مقدس بیش از ۲ هزار و ۶۰۰ شهید، ۴ هزار جانباز، ۴۵۲ آزاده سرافراز و ۱۴۷ مفقود و جاویدالآخر را تقدیم کرد. همزمان با تشییع شهدا، فرزندان برومندش را به جبهه‌ها اعزام نمود؛ شهدایی که در میانشان از نوزاد یک روزه تا زن و مرد و جوان و پیر مشاهده می‌شود.

در کدام گوشه تاریخ جنگ‌ها می‌توان شهری را یافت که خود مورد حمله است و انواع سلاح‌های مرگبار دشمن بر سرش می‌بارد، اما برای غذای رزمندگان تدارک می‌بیند و زمینه روحیه و نشاط آنها را در دفاع هشت ساله فراهم می‌آورد و سرانجام خود نیز با همه سختی‌ها و تهدید روانی دشمن در دو جبهه دفاع از شهر و حضور در رزم، به مصاف دشمن می‌رود.

این روحیه مقاومت، همکاری و پذیرایی از عزیزان رزمنده را باید با شهادت هزاران تن از شهدا، مجروحان، جانبازان و آزادگان کشورمان که به جبهه‌های جنوب می‌آمدند و در نماز جمعه دزفول قدم می‌گذاشتند جست‌وجو کرد.

دزفول اکنون تنها نمونه‌ای از رشادت‌ها و مقاومت‌های انقلابی ایران اسلامی است. اگر امروز در تقویم جمهوری اسلامی ایران چهارم خرداد روز مقاومت و پایداری و روز دزفول نامگذاری شده به این جهت است که دزفول به تعبیر مقام معظم رهبری «سرزمین افتخارات است.»

این شهر نماد و جلوه‌ای درخشان و ماندگار از مقاومت ایران است. نماد مردمی که از شمال و جنوب و از شرق و غرب این کشور در هشت سال دفاع مقدس با وحدت و همدلی و ایمان و شجاعت و اعتقاد کامل به ولایت و خط سرخ حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در مقابل دشمنان ایستادند و برگ زرینی را در تاریخ پر حماسه این نظام مقدس ثبت و به یادگار گذاشتند.



غلامعلی کیانی اولین فرماندار دزفول:

مادران دزفول مکتب عاشورایی را کاملاً درک کرده بودند

یک هدف مشترک داشت. در مقاومت مردم دزفول هزاران نکته نهفته است. مردم دزفول حتی با شنیدن صدای موشک نیز احساس یک مقاومت ارزشمند می‌کردند. اهمیت مقاومت همه‌جانبه مردم دزفول به گونه‌ای بود که عراق تصور می‌کرد با بمباران بی وقفه این منطقه و شکستن مقاومت مردم دزفول، بقیه مناطق خوزستان قابل دستیابی است. بنابراین دزفول در جنگ هم مقاومت و هم طرح‌ها و برنامه‌های ارتش عراق را خنثی کرد. شناختی که از دزفول در استخبارات و دستگاه‌های اطلاعاتی عراق وجود داشت، بیش از شناخت دولت مرکزی ایران بود و به همین دلیل این نقطه به طور مکرر مورد بمباران قرار می‌گرفت. مقاومت مردم دزفول تنها محدود به منطقه دزفول نبود، بلکه تا شعاع فرااستانی نیز می‌توانست گسترش پیدا کند. حتی در مقاومت مردمی آبادان و خرمشهر و دیگر شهرها نیز نیروهای مردمی دزفول نقش ویژه‌ای داشتند. لذا ارتش عراق با علم به اهمیت مقاومت مردمی در دزفول، این منطقه را بسیار مورد تهاجم قرار داد و تعداد شهدای این شهر نسبت به جمعیت آن نشانگر مقاومت همه‌جانبه مردم این شهر است. این امر نشئت گرفته از اعتقاد بالایی قرآنی، الهی، اسلامی و شیعی و عاشورایی در میان مردم دزفول است. در این میان مادران دزفول مکتب‌ابی عبدالله را به تمام کمال درک کرده بودند.

وجود سازماندهی و برنامه‌ریزی‌ای که توسط خود مردم صورت می‌گرفت، در مقاومت مردم دزفول نقش ویژه‌ای داشت. استعداد و داشتن قدرت مدیریت و سازماندهی در میان مردم دزفول سبب شده بود که نیروهای دزفولی در رده‌های مختلف مدیریتی و فرماندهی در طول جنگ و حتی قبل از جنگ (از جمله کردستان) در مناطق مختلف به بهترین شکل نقش‌آفرینی کنند.

❖ اهمیت مقاومت همه‌جانبه مردم دزفول به گونه‌ای بود که عراق تصور می‌کرد با بمباران بی وقفه این منطقه و شکستن مقاومت مردم دزفول، بقیه مناطق خوزستان قابل دستیابی است.

در مورد نقش‌آفرینی دزفول در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی لازم است به ریشه تحركات انقلابی مردم دزفول قبل از انقلاب اشاره شود. قبل از شروع خیزش عمومی مردم علیه رژیم پهلوی، اکثر مساجد شهر حول محور قرآن و برنامه‌های قرائت قرآن فعال بودند، این برنامه‌های قرآنی نقش مهمی در بصیرت و آگاهی بخشی به جوانان و شناخت و تمایز آنان نسبت به راه حق و راه باطل ایفا کرد. این امر سبب شد در جریان انقلاب یکی از قوی‌ترین خیزش‌های مردمی در دزفول شکل بگیرد. پس از پیروزی انقلاب نیز دزفول نقش مهمی در تثبیت انقلاب در مناطق اطراف خود و اداره آنها ایفا کرد. در این زمینه نقش جوانان و روحانیون از جمله آیت‌الله قاضی بارز تر بود.

مردم دزفول در جریان جنگ تحمیلی با وجود انواع بمباران‌ها حاضر به ترک صحنه نبودند و با پشتیبانی‌های مختلف به عنوان پناهگاه و عقبه جبهه‌ها محسوب می‌شدند. به نظر من در این زمینه نقش زنان بسیار پررنگ بود. می‌توان ادعا کرد که مادران و پدران رزمندگان نیز به اندازه آنها در جنگ تحمیلی نقش‌آفرینی کردند. این امر نشان از وجود یک حرکت جمعی به سوی



دزفول، شهر هزار زخم

❖ عبدالرضا سالمی نژاد

دزفول برای اولین بار در ۵ مهر ماه مورد حملات توپخانه‌ای، در ۱۱ مهر ماه مورد حملات هوایی و در ۱۶ مهر ماه ۱۳۵۹ مورد حملات موشکی قرار گرفت. دشمن از ششمین روز جنگ (۵ مهر ماه ۱۳۵۹) اقدام به گلوله باران شهر کرد تا با تخلیه شهر از مردم، بتواند جاده دزفول - اندیمشک که شاه‌راهِ ارتباطی جنوب با مرکز کشور بود را قطع کرده و آن را به اشغال خود درآورد. براساس گزارش‌های موجود، دشمن روزانه بیش از ۵۰ گلوله توپ با توپخانه دوربرد خود به دزفول شلیک می‌کرد که ضمن مختل نمودن اوضاع زندگی، منجر به شهادت و مجروحیت تعداد زیادی از مردم شهر نیز می‌شد. موضوع گلوله باران شهر مردم را مستقیماً درگیر مسئله ماندن یا فرار از شهر کرده بود و هر کس نظری داشت. در دسترس‌ترین گزینه، پناه گرفتن در شوادان و مهاجرت موقت به شهرک‌های اطراف بود. صبح ۱۷ مهر ماه سال ۱۳۵۹ ساعت ۷، صدای جمهوری اسلامی ایران خبری هولناک از جنگ تحمیلی را اعلام

درمانی اندک خود، نه گنجایش حجم فراوان مجروحان را داشت و نه پیکر شهدای موشکی که هر ساعت بر تعداد آنها افزوده می‌شد. این برای اولین بار بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این تعداد از مردم یک‌جا به شهادت رسیده بودند. اعتقادات مذهبی و جانبداری‌های آگاهانه مردم دزفول از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) که حاصل جانبازی و شهادت مردان و زنان خداجوی این دیار بوده است، به عنوان محوری‌ترین دلیل استقامت و پایداری مردم دزفول در برابر آنچه هویت دینی و دستاورد مبارزاتی آنان را مورد تهدید قرار می‌داد و زمینه‌های بازگشت فرهنگ طاغوتی رژیم مطرود شاهنشاهی را فراهم می‌کرد، مطرح است.

آنچه از دیرباز مردم مسلمان دزفول را در حمایت و پشتیبانی از اسلام و علمای دینی نگه داشته و علیه هر حرکت ضددینی به میدان آورده است، حضور چشمگیر و پررنگ روحانیت در بین اقشار مختلف این شهر بوده است.

آفرینش و بقعه سید محمود در مرکز شهر اصابت کردند و باعث شهادت ۱۰۵ نفر و مجروحیت ۳۰۰ نفر از مردم بی دفاع شدند. این حملات به حدی فاجعه‌بار بود که بعضی از مردم تقریباً اکثر خانواده خود را از دست دادند. تخریب کامل ده‌ها خانه و مسجد و مغازه، قطع برق شهر و فوران آب منازل در محل حادثه و ایجاد حفره‌ای عمیق و بزرگ و غیرقابل باور در محل اصابت موشک‌ها مشکلات عدیده‌ای را برای امدادگران و مردم برای کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان پیش آورده بود به طوری که هیچ کس نمی‌دانست در این تلنبار خاک، آجر، آهن و چوب کار را باید از کجا شروع کند. مردم که با چراغ قوه، فانوس، شمع و نور موتور سیکلت‌ها تلاش داشتند در تاریکی شب آخرین نفس‌های احتمالی در زیر خاک کمک برسانند. عملیات امداد و نجات تا صبح ادامه یافت و تا سه روز بعد جست‌وجو به دنبال اجساد تعداد زیر خروارها خاک همچنان بیمارستان با کادر

کرد و عموم ملت ایران را در بهتی عجیب فروبرد. خبر مربوط به فاجعه‌ای وحشتناک است که شب گذشته در دزفول رخ داده است: «اصابت ۴ فروند موشک غول‌پیکر زمین به زمین ارتش بعث عراق در میان خانه‌های بی دفاع دزفول».

این خبر که سابقه‌ای در جنگ‌های پیشین ندارد، به قدری هولناک است که چهره‌های جدید و وحشی‌گری و جنایات جنگی را در جنگ‌های بشری برای خود به ثبت رساند. انفجار چند صد تن مواد منفجره تی‌ان‌تی در میان خانه‌های شهر، تاوان مردمانی بود که شهر و کاشانه خود را خالی نکرده و در برابر اشغالگران ایستادگی کردند. موشک‌های غول‌پیکر ۱۶ مهر ماه که یکی از فاجعه‌بارترین حوادث هشت سال جنگ تحمیلی را به خود اختصاص دادند به مناطق و محله‌های قدیمی شهر دزفول به نام محله چولیان، محله سیه‌پوشان، محله کل‌گزن و تقاطع خیابان

دزفول؛ عشق و حماسه

تو را همین بس که مقاومت کردی

سجاده نشینان سنگر عشق و حماسه، تو را در فرات خون مظلومیت زمان، شست و شودادند، تافرزدان شهید شیرین شهادت نوشیده این ملت، به خون وضو سازند و با طهارت روح و نفس، پیشانی بر خاک مطهر تو ساینده و «رب غفور» را بر این همه مقاومت و پایمردی، دلاوری و پایداری، ایثار و جوانمردی سپاسگزارند. دزفول قهرمان؛ ای مهبط ملائکه الله، ای سرزمین شاهدان شهید، ای بستر خروش حماسه جاوید و ای پایگاه نور! تو را همین عزت و افتخار بس که در راه اعتلای کلمه الله و شهادت بر کلام حق که فرموده بود: «فاستقم کما امرت» مقاومت نمودی و همچون ابراهیم خلیل فرزندانت را یکایک در دفاع از حرم و حریم «اسلام محمدی» سخاوتمندانه قربانی کردی و در تشهد خون بر کلام صادق رسولان شهادت دادی. معراج مردان تو بود که تاسرا پرده «قاب قوسین» پر کشید و مرگ را از دامن ملت ایران بزود و بر قبرستان تاریخ فرستاد. نعمت گسترده «ایمان» و «تقوا» و «شهادت» و «شرافت» و «فرزندانی صالح و غیور» گوارای تو بادای شهر شهیدان! ای شهر بیدار دلان! ای شهر شیر مردان! بیکار جوی همه صحنه ها! ای شهر خروشدگان بر سر بیداد! این تاج افتخار و لوح مقدس «شهر نمونه مقاومت» بر تارک توای دزفول دلاور و بر سر دلیر مردان و شیرزانت زبنده و مبارکباد. دزفول ای اسوه مقاومت پایداری! آیندگان و پویندگان خط «رسالت نبوی» و «طلایه داران پرچم «ولایت علوی» و بانیان حرمت «شهادت و امامت سرخ حسینی» همواره با عنایت و رهجویی از مناره نور و تنوره سرخ به آسمان بر کشیده عشقت، تحت زعامت و قیادت ولایت راهبری سترگ از سلسله جلیله سید و سالار شهیدان «خمینی بت شکن» به ندای نصر طلبی حسین بن علی (ع) لبیک خواهند گفت.

لوحی که در چهارم خرداد ۱۳۶۶
از سوی وزارت کشور دولت وقت صادر و طی آن دزفول به عنوان
شهر نمونه مقاومت معرفی شد.

سیال، خنک، شیرین و مهربان، تشنه کامی مردم و درختان را پاسخ می گوید. دزفول بین النهرین ایران است. و درود بر این دو رود که زنده و زاینده و جوشنده، پویا و زایا و پایا، چونان کوثر، مفسر زندگی و زیبایی اند. دزفول، بلد طیب است، وادی ایمن است، تنفس در این شهر قدم زدن در بهشت خداست، حضور زیر خیمه امام حسین (ع) است که در این شهر، به همان زلالی رودخانه، رودی از اشک عاشقان حسین جاری است. بارودی از شعر عاشورایی و حسینی که شهر را هویتی دیگر بخشیده است. پس... نه... چهره رودخانه در این شهر جاری است، رود فقه و معنویت، رود اشک، رود شعر و رود دز... و کدام نقطه بهشتی تر از اینجا می شناسید که چهار سوی این زمزمه های چهار گانه ساری و جاری باشد؟ دزفول، شهر برگزیده خداست، شهر پیروز آزمون های سترگ است و حق همان بود و هست که امام فرمود: این شهر امتحان داد و خوب و سرفراز، سر از امتحان بر آورد. خدایش نگاهبان باد

محمد رضا سنگری



علی، سرزمین مقدس شهیدان، گل رخان جاودانه که آبروی دیروز و امروز و همیشه این سرزمین اند. در دزفول در رودخانه جاری است. رودی از معنویت و معرفت و رودی که زلال،

آب و آفتاب و صبوری

شهر، شهر آب و آفتاب و سرسبزی و صبوری سدر است. آب؛ زلال و فیروزه ای و گوارا، موج و پرشتاب، نماد جاری روح زلال و سیال شهر آفتاب؛ درخشان و داغ و دامن دار، ترجمان جان روشن و مهربان شهر. و سدر، سبزی و سایه ساز و صبور، گواه سلوک و زندگی مردمی است که تاب و طاقت در طوفان ها را از دست نمی دهند و استوار و راست قامت، سلام و صداقت و صمیمیت پیشه و اندیشه می کنند. در قلب شهر، سید محمد سبزی قیاس فرزند رشید و فقیه موسی بن جعفر که هر روز مشک بر دوش با قبایی سبز در خانه ها را می نواخت و با دو مشک - مشکي از آب و مشکي از معرفت - تن ها و جان های تشنه را سیراب می کرد، جوانی ۱۹ ساله که به شیوه عمویش ابا الفضل به سیرابی خیمه های جان و جهان می اندیشید. به جنوب شهر که می رسی محمد بن جعفر طیار است که مثل پدر زخمی و شهید خود پرچمدار دفاع از دین نبوی است و فرزندش اسم شهید کربلا و خود محرم خانه علی، داماد حضرت زینب کبری (س). در شمال و غرب شهر شهید آباد است و بهشت



دشمن برای بمباران دزفول سهمیه ویژه کنار گذاشته بود!

محمد حسین صفار هرندي

در دوران دفاع مقدس دزفول خط مقدم مقابله و پایداری در برابر دشمن و محل تجهیز جریان مقاومت بود. دزفول شهر مأذنه ها است. من همیشه موقع نماز صبح یا صدای اذان گوه های متعدد از



خواب بیدار می شدم و این حس بسیار خوبی برای من داشت. این جلوه مذهبی در کمتر شهری وجود دارد. در دوران انقلاب اسلامی دزفول نقش پیشگاز داشت. ظرفیت های انقلابی این شهر بیشتر از حد یک شهرستان بود. دزفول پرور شگاه عناصر و نخبگان بزرگ انقلاب بود که در ادامه در پیروزی انقلاب سهم بزرگی داشتند. همچنین در دوران دفاع مقدس خط مقدم مقابله و پایداری در برابر دشمن بود و محل تجهیز جریان مقاومت که مهم ترین آنها ساخته شدن انسان هایی در تراز مقاومت بود؛ انسان هایی که هم در ابعاد نظامی و هم در ابعاد پشتیبانی جنگ حضوری پر رنگ داشتند و در سازماندهی مقاومت علیه عراق بسیار فعال و نقش آفرین بودند. دشمن بعثی این را فهمیده و از همین رواز این شهر کینه به دل گرفته بود و تا آخر جنگ دزفول که اساساً شهری مرزی نبود، به موازات بمباران و موشکباران سایر شهرهای مرزی، سهمیه ای جدا داشت! دزفول بانی شکل گیری اولین تیپ و لشکر در خوزستان بود. هنر مردم دزفول در این بود که مردان و جوانان رزمنده شهر در خطوط مقدم می جنگیدند و در عقبه جنگ خانواده آن رزمندگان در پشتیبانی از جنگ مشارکت داشتند و در برابر دشمن پایداری می کردند. به همین خاطر دزفول شهر مقاومت و سمبل ایستادگی شد. دزفول معیار و شاهد برای تعریف و معنا کردن چگونگی مقاومت برای دیگران شد. سرداران بزرگی از این شهر در طول جنگ تحمیلی پرورش یافتند. از جمله سردار غلامعلی رشید که یکی از نوابغ دزفول است. در ذهن همه رزمندگان آن زمان این مفهوم جا افتاده بود که سردار رشید مغز متفکر طراحی عملیات است. جنه ای کوچک داشت اما فکرش عمیق و ژرف بود. ایشان مصداق «نگار من به مکتب نرفت و خط ننوشت» بود که تجربه نظامی نداشت، ولی وقتی وارد جنگ شد، نبوغی از خود به جا گذاشت که جنگ دیده های آکادمیک آن را تحسین می کردند.

سرود پایداری

| ویژه نامه روز مقاومت، روز دزفول |
| روزنامه جوان |
پنجشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۶



مدیر مسئول: دکتر عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر ویژه نامه: علیرضا محمدی
مدیر فنی: حسن فردی
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان